

ارائه وام ۱۵ میلیون تومانی به طرح‌های کارآفرینی جوانان

مدیر کل مشارکت‌های اجتماعی جوانان از ارائه وام ۱۵ میلیون تومانی با کارمزد ۴ درصد به طرح‌های کارآفرینی سمن‌های جوانان خبر داد. رضا حجتی، با اشاره به امضای تفاهم‌نامه معاونت ساماندهی جوانان وزارت ورزش و جوانان با بانک قرض‌الحسنه مهر ایران گفت: «این تفاهم‌نامه با هدف تمرکز حساب‌های سمن‌های جوانان و تأمین نقدینگی مورد نیاز تشکلهایی که در حوزه کارآفرینی اجتماعی طرح و برنامه دارند، امضا شده است.» به گزارش مهر، مدیر کل مشارکت‌های اجتماعی جوانان افزود: «در راستای حمایت از طرح‌های کارآفرینی، تشکلهای جوانان و تمامی سمن‌ها می‌توانند براساس کارکرد حساب خود، وام قرض‌الحسنه ۱۵ میلیونی با کارمزد ۴ درصد دریافت کنند.»

یکشنبه ● ۲ اسفند بهمن ۱۳۹۴ ● شماره چهل و چهار

ا ت ی v ع ه ن و



صدایش زنگ‌زدگی و شور سازندگی دارد؛ «وقتی یکبار کاری در دنیا انجام شده، پس من هم می‌توانم انجام دهم.» در چهل سالگی کارخانه‌اش را با سه چهار کارگر راه می‌اندازد؛ «الگوی من در زندگی الهه‌وردی خان است، مردی که سی‌وسه‌پل را ساخت.» پس او هم دسته‌به‌کار می‌شود و قطعات سنگینی را که پیش‌تر در ایران تولید نمی‌شد راهی بازار می‌کند. مصطفی رناسی حالا کارآفرین برتر اصفهان است. او از زمانی که خودش را شناخت، کار کرد. حالا در ۶۰ سالگی به‌تازگی فوق‌لیسانسش را گرفته و برای دکتری آماده می‌شود. در طول زندگی‌اش دستاوردهای بسیاری داشته تا توانسته در زمره کارآفرینان برجسته اصفهان شناخته شود. او تولید و صادرات قدرهای مهم‌ترین آبراه جهانی، کانال پاناما را در کارنامه خود دارد. تکنولوژی ساخت فندر را به کشور چین داده و تکنولوژی ساخت سد لاستیکی را از آن کشور دریافت کرده است. عضو شورای عالی جشنواره کارآفرینی شیخ بهایی، عضو شورای عالی راهبردی فن‌آوری‌های نوین استان اصفهان، و عضو هیئت امنای مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان اصفهان است. او جایزه «ابتکار صنعت» را از چهاردهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی دریافت کرده است.

■ تابستان‌های کار

«در حقیقت از تابستان ششم ابتدایی کارم را آغاز کردم؛ در کارخانه گرسازی. علاوه بر آن تدریس خصوصی هم می‌کردم. دوازده سیزده‌ساله بودم. گاهی شاگردهایم از من بزرگ‌تر بودند اما از همان موقع در اتاقی مشخص چون آموزگاری کارآزموده پذیرایی می‌شدم. ساعتی چهار تومان برای تدریس خصوصی می‌گرفتم.» رناسی روزهای کودکی و نوجوانی و جوانی‌اش را زیر دربین می‌گذارد. روزهای گذشته چون امروز درشت و واضح می‌شوند و او تعریف می‌کند: «سرانجام در دانشگاه امیرکبیر در رشته پلی‌تکنیک شیمی قبول شدم، اما چون مهندس شیمی آن زمان در ایران شناخته‌شده نبود و با شیمی‌دان اشتباه می‌شد و بازار کار نداشت، دوباره کنکور دادم و این‌بار مهندسی مکانیک قبول شدم.» سختی‌های زندگی او کم نبوده، اما بازنش به تلخی‌ها باز نمی‌شود و گل‌گزاری از زمانه نمی‌کند: «تنها هزار تومان برای ثبت‌نام داشتم. از دانشگاه خواستم این پول را انگیزه تا آن را خرج چند ماه اول زندگی‌ام در تهران کنم. به هر حال خانواده‌ام نمی‌توانستند پول بیشتری به من بدهند.» بنابراین او دوباره به تدریس خصوصی رو می‌آورد. «۲۰ ساعت در ماه تدریس می‌کردم. ماهیانه هزار تا هزار و ۵۰۰ تومان درآمد داشتم. مستقل زندگی می‌کردم و همه هزینه‌ها با خودم بود.» پویایی و درایت او در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی به یاری‌اش آمد. «سال آخر دانشگاه با یک تور سه‌ماهه برای کارآموزی به انگلستان رفتم. این دوره تجربه بسیار خوبی برای من بود.»

■ دوران تجربه‌اندوزی

رناسی فعالیت کاری‌اش در رشته مهندسی مکانیک را از شرکت گسترش و نوسازی صنایع ایران آغاز می‌کند: «اوایل انقلاب بود، بسیاری از کارخانه‌ها از کار مانده بودند و نیاز به مونتاژ داشتند. بنابراین شروع به راه‌اندازی کارخانه‌ها کردم. سال ۷۲ در شرکت ایران آبروین مشغول به کار شدم.» مدیریت پروژه‌های نصب و راه‌اندازی واحد فولادسازی فولاد مبارک، خط ۴۲ اینج انتقال گاز آغار و دالان، نصب و راه‌اندازی تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب صنایع دفاع زرین شهر واحد نیترو-سلولز-پخت باروت صنایع دفاع پارچین، واحد اکستروژن، صنایع مس شهید باهنر و تجهیزات تست صنایع هلیکوپترسازی «پنها» از دیگر پروژه‌های موفق

● Dan Ariely ●

ترجمه: فریادعوض زاده ●

بیباید درباره کار و زحمت صحبت کنیم. وقتی به این فکر می‌کنیم که آدم‌ها چطور کار می‌کنند، احتمالاً در کی ساده‌از کار داریم. شاید فکر کنیم که آدم‌ها مثل موش‌های داخل ماریج هستند و آن لحظه‌ای که به آن‌ها پول می‌دهیم، می‌توانیم آن‌ها را به کار کردن در هر جهت هدایت کنیم.

در دنیای اطراف ما انبوهی از رفتارهای عجیب وجود دارد. به چیزی مثل کوهنوردی فکر کنید. اگر کتاب‌های کسانی را بخوانید که از کوه‌های سخت بالا می‌روند، فکر می‌کنید آن کتاب‌ها سرشار از لحظات خوشحالی و سرخوشی هستند؟ نه، آن‌ها مملو از دشواری‌ها هستند، سرمازدگی، دشواری راه رفتن، سختی در تنفس و موقعیت‌های چالش‌برانگیز. اگر آدم‌ها فقط سعی می‌کردند خوشحال باشند، آن لحظه‌ای که به قله کوه می‌رسیدند، می‌گفتند: «این یک اشتباه وحشتناک بود و من هرگز آن را تکرار نمی‌کنم.» مثال کوهنوردی کردن نشان

رناسی به شمار می‌رود.

این روند کاری رناسی ادامه دارد تا اینکه به ۴۰سالگی می‌رسد و تصمیم می‌گیرد برای خودش کار کند: «با اجرای پروژه‌های مختلف، اعتمادبه‌نفس بالایی پیدا کرده بودم. اگر کاری در دنیا انجام شده، چرا من نتوانم انجامش دهم؟» با اعتمادبه‌نفس بسیار و ایمان به عملکرد خود آستین‌ها را بالا می‌زند و کارخانه کوچک لاستیک‌سازی‌اش را راه می‌اندازد. این کارخانه ابتدا ۱۵۰۰ متر زمین داشت. ۳۰۰ متر سالن و دو سه نفر کارگر؛ «این در حالی بود که من قبلاً در جاهایی کار می‌کردم که حدود ۸۵۰ پرسنل و چندین دفتر داشتم، اما وقتی کارخانه خودم را راه‌اندازی کردم تنها خودم بودم و خودم. مدیرعامل خودم بودم و چای هم خودم تهیه می‌کردم. به طوری که یکی از کارگرهای قبلی وقتی آمده بود دفتر برای من گریه می‌کرد. فکر می‌کردو شکست شده‌ام، اما من می‌دانستم چه راهی را می‌روم. می‌خواستم از صفر شروع کنم.»

او ایده‌های بسیار دارد. بازار ارزربایی کرده و حالا با برنامه این ایده‌ها را اجرایی می‌کند: «در ایران لاستیک‌سازی وجود داشت، اما بسیاری

پیش‌زمینه

کسانی که می‌خواهند در تولید گام بردارند این است که باید خیلی انرژی داشته باشند تا بتوانند کاری را از نو آغاز کنند. مهم‌ترین مسئله برای کارآفرین این است که خیلی به مادیات وابسته نشود. من ریسک‌های بزرگی در زندگی کرده‌ام که می‌توانستند زندگی‌ام را نابود کنند. اگر کسی به مادیات وابسته باشد مرتب ترس ورشکستی را دارد. به باور من کسی که وارد کار تولید می‌شود باید تحمل بسیار داشته باشد و اعتقادی که به او کمک کند. اعتقاد من در زندگی این است که بشر به دنیا می‌آید تا کاری را انجام دهد، نه اینکه تنها مصرف‌کننده باشد.

انگیزه و پول ارزش یکسانی ندارند

می‌دهد که ما به رسیدن به پایان راه و قله اهمیت می‌دهیم.

این مثال نشان می‌دهد که ما به جنگیدن و به مبارزه طلبیدن اهمیت می‌دهیم. درواقع چیزهای زیادی وجود دارد که به ما برای کار کردن یا رفتار کردن به طریقی دیگر انگیزه می‌دهد.

نادیده گرفتن عملکرد افراد تقریباً به بدی از بین بردن زحمات آن‌ها در برابر چشم‌اندشان است. نادیده گرفتن شما را تماا از مسیرتان دور می‌کند.

بالا بردن انگیزه‌ها خیلی دشوار نیست. اما به نظر می‌رسد حذف کردن انگیزه‌ها به‌طوری باورنکردنی آسان است. در دهه چهل میلادی در آمریکا تولید مخلوط آماده کیک شروع شد. پودر آماده را در جعبه می‌گذاشتند و از خانم‌های خانه‌دار می‌خواستند ابتدا آن را با مقداری آب هم بزنند، مخلوط کنند، در فر بگذارند، و بعد کیک آن‌ها آماده بود. اما مشخص شد که این محصول چندان مورد علاقه مردم واقع نشد، چراکه انجام آن مستلزم زحمت زیادی نبود و آنقدر آسان بود که هرکسی می‌توانست از مهمان‌هایش با کیک پذیرایی کند و بگوید: «این هم کیک من.» پس تولیدکنندگان تخم‌مرغ‌ها و شیر را از پودر جدا کردند. حالا باید تخم‌مرغ‌ها را بشکنید، شیر را اندازه بگیرید و به آن

از کارها را نتوانسته بودند انجام دهند. از سوی دیگر موضوع اصلی ما تولید قطعات سنگین بود. تهیه این قطعات خیلی پیچیده است. طراحی قالبش کار دشواری است. ولی ما برای اولین بار قطعه ۱۶۰ کیلوپی برای فرستان به جزیره ابوموسی را تولید کردیم. در حالی که قطعات قبلی که در ایران تولید می‌شد، به‌سختی به ۲۰ کیلوگرم می‌رسید. امکانات ما بسیار ابتدایی بود ولی من بهترین متخصصان لاستیک را به‌عنوان مشاور در اختیار گرفتم. قطعه‌ای ساختم که دانشگاه امیرکبیر بعد از آزمایش آن کلیه مشخصاتش را تأیید کرد. با مورد اصلی آن، که در ژاپن تولید می‌شد، برابری می‌کرد و بعدها در نمایشگاهی بین‌المللی فهمیدیم که حتی از استانداردهای اصلی آن بالاتر بوده است.»

■ اعتمادسازی در بازار

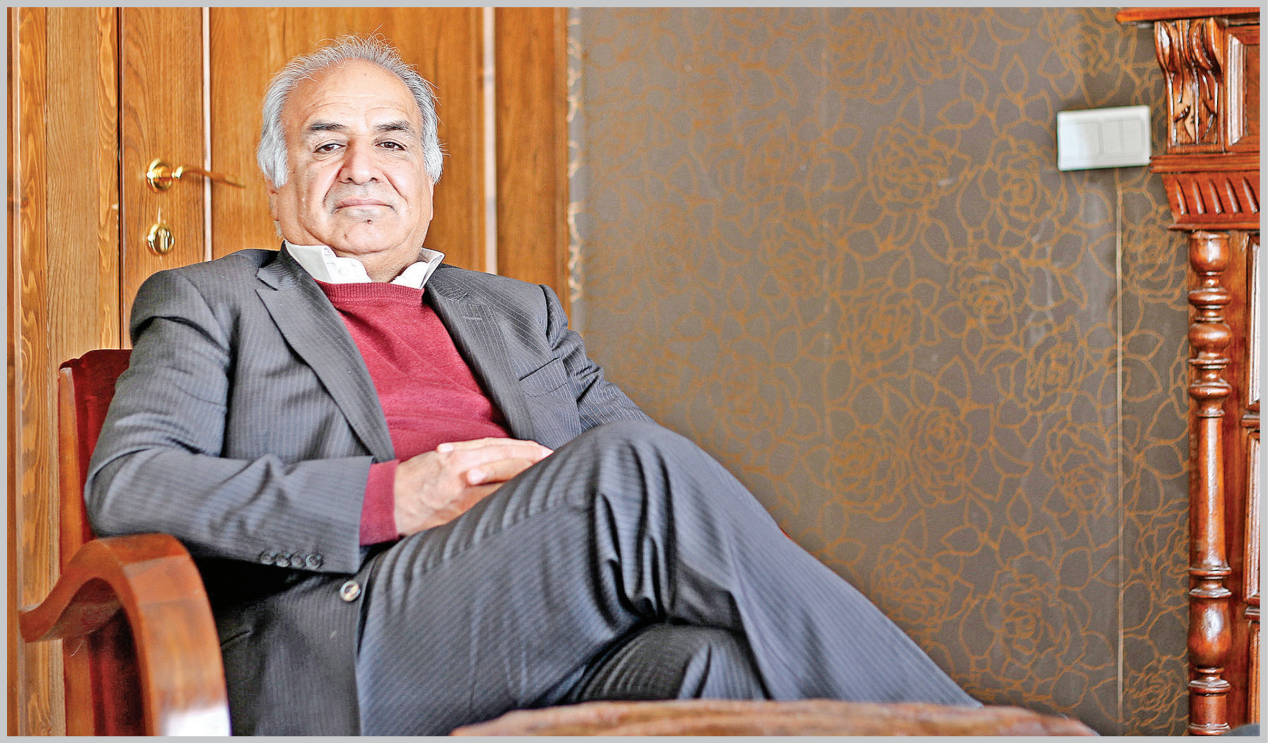
او زمان زیادی را صرف اعتمادسازی بازار فروش قطعات تولیدشده در کارخانه‌اش می‌کند: «با اینکه استانداردهای بین‌المللی را رعایت می‌کردیم، سازمان بنادر به‌سختی ما را پذیرفتند. استدلال آن‌ها هم



کتیو | ۰۹

گفت و گو با مصطفی رناسی، کارآفرین نمونه اصفهانی

کارآفرینی، خطرپذیری می‌خواهد



مصطفی رناسی کارآفرین برتر اصفهان است. در طول زندگی‌اش دستاوردهای بسیاری داشته تا توانسته در زمره کارآفرینان برجسته اصفهان شناخته شود. او تولید و صادرات قدرهای مهم‌ترین آبراه جهانی، کانال پاناما را در کارنامه خود دارد. ■ عکس:رضادروشی

قابل‌پذیرش بود. آن‌ها می‌گفتند ما نمی‌توانیم در این زمینه ریسک کنیم. تا اینکه ما تاییدیه DNV بین‌المللی را گرفتیم. توانستیم قطعات دو تن و نیمی تولید کنیم. این طرح را در جشنواره خوارزمی شرکت دادیم و جایزه گرفتیم.» نیروهای کارخانه رناسی به ۶۰۰ نفر می‌رسند تا اینکه تحریم‌ها آغاز می‌شود و حالا کارخانه با ۱۵۰ نفر مشغول به کار است. او درباره روند کاری بعداز برداشتن تحریم‌ها می‌گوید: «موانع برداشته شده، اما فقط برگشتیم به ده سال قبل و هنوز مشکلات سر جای خود هستند و موتورها دوباره باید به جریان بیفتند.» توصیه او به کسانی که می‌خواهند در راه تولید گام بردارند این است که باید خیلی انرژی داشته باشند تا بتوانند کاری را از نو آغاز کنند: «مهم‌ترین مسئله برای کارآفرین این است که خیلی به مادیات و تجملات وابسته نشود. من ریسک‌های بزرگی در زندگی کرده‌ام که می‌توانستند زندگی‌ام را نابود کنند. اگر کسی به مادیات وابسته باشد مرتب ترس ورشکستی را دارد.» او بر این باور است که «کسی که وارد کار تولید می‌شود باید تحمل بسیار داشته باشد و اعتقادی که به او کمک کند. اعتقاد من در زندگی این است که بشر به دنیا می‌آید تا کاری را انجام دهد، نه اینکه تنها مصرف‌کننده باشد. الگوی من در زندگی طراح سی‌وسه‌پل است. پلی که چهار صد سال عمر کرده. الهه‌وردی خان هم یک انسان بود. ما هم باید کاری کنیم که ماندگار شود و در جهت خدمت به مردم باشد. اگر کسی تنها به پول فکر کند موفق نمی‌شود. البته اگر کارآفرینی درست باشد به پول هم می‌رسد. ولی هدف من تنها پول نبوده. من در حد متعادل پول را برای زندگی می‌خواهم و تا آنجا که بتوانم کارهای خیر هم انجام می‌دهم.» او سرشار از امیدواری است. پر از انرژی و چشم‌انداز رو به رویش را روشن می‌بیند.



چرا رای می‌دهیم؟

رای دادن را عموماً عملی مربوط به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانیم. رای دادن یکی از ابزارهای حضور در فعالیت‌ها و مشارکت در اجرا یا عدم اجرای امور است. روشن است که همیشه نمی‌توان یا یقین نسبت به برخی موضوعات نظر داد، رای موافق یا مخالف داشت؛ رای منتع نشانه همین وضعیت است.

داشتن رای منتع به معنای بی‌نظر بودن در موضوعات نیست، بلکه نشانه نداشتن نظر قطعی و ناکامی در یافتن پاسخ مثبت یا منفی در یک مورد است. این رفتار را در رای‌گیری‌های مجلس و نمایندگان قانون‌گذار بسیار می‌بینیم. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌کنیم این است که آیا در فضای کسب‌وکار هم می‌توان رای منتع داد؟ اشتغال، تولید، خدمات، و در یک‌کلام حوزه کسب‌وکار چه نسبتی با رای دادن و به‌ویژه رای منتع دارد؟ می‌توان در این حوزه فعال بود و نسبت به موضوعات روزمره رای روشنی نداشت؟ پاسخ این پرسش بستگی تمام به موقعیت فرد دارد. نمایندگی که در مجلس وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارد الزاماً نمی‌تواند در هر موضوعی رای موافق یا مخالف داشته باشد، ممکن است بررسی و سنجش معیارهای مختلف او را در موضوعی چنان دچار تردید کند که قادر به موافقت یا مخالفت قطعی نباشد، و رای منتع دهد. اما یک فعال حوزه کسب‌وکار تقریباً در همه موارد نمی‌تواند چنین روشی داشته باشد.

اجازه دهید پرسشش را به شکل دیگری مطرح کنیم، آیا وقتی قصد راه‌اندازی کسب‌وکاری را دارید می‌توانید کمی تا قسمتی با آن موافق باشید؟ نتیجه این وضعیت چه خواهد بود؟ آیا فرضاً سرمایه‌گذاری مالی خود در انجام آن فعالیت را کاهش می‌دهید؟ آیا ساعات مشارکت عملی خود را کاهش می‌دهید؟ آیا نظرات و تجربیات و دانش خود را به صورت یکجا در اختیار اجرای آن فعالیت نمی‌گذارید؟ در صورت پیگیری هر کدام از این حالات، آیا می‌توان انتظار موفقیت در اجرای آن فعالیت را داشت؟ پاسخ روشن است؛ براساس منطق روشن عملی انتظار این است که مشارکت در اجرای فعالیت‌های حوزه کسب‌وکار به صورت کامل و با قطعیت باشد. در این حوزه نمی‌توان رای منتع داشت.

اما طرح این موضوع از اینجا ریشه می‌گیرد که کشور در هفته‌های اخیر به موضوع مهم انتخابات مشغول است. برگزاری هر دوره انتخابات به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی پیوند مستقیم با شکل‌دهی فضای عمومی کشور دارد. رای و نظر نمایندگان مجلس موجب تصویب، رد، یا اصلاح برخی مواد قانون بوده‌جه عمومی می‌شود که ساختار مالی یک‌ساله همه کشور را تنظیم می‌کند. نظر موافق و مخالف نمایندگان مجلس موجب قانونی شدن اموری می‌شود که زندگی و شیوه عملکرد همه بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید چنانچه در مقام نماینده مجلس باشیم، نتوانیم در مورد موافقت یا مخالفت با موضوعی قاطعانه نظر دهیم و به دادن رای منتع متوسل شویم، اما همه این آرا از موافق و مخالف تا منتع تأثیری قطعی بر زندگی مردم دارد. آیا می‌توان درباره موضوعی با این اهمیت نظری نداشت؟ شاید با شنیدن نتایج رای‌گیری‌ها در صحن مجلس و اطلاع از وجود آرای منتع بگویم که به هر حال فلان نماینده در این مورد یقین نداشته، اما عدم قطعیت نمایندگان هم بر سرنوشت و زندگی همه تأثیری قطعی خواهد داشت.

نکته مهم این است که همانند مشارکت در فعالیت‌های کسب‌وکار، درباره موضوعاتی چون انتخابات هم نمی‌توان رای منتع داشت. اگر می‌پذیریم که چه از نظر منطقی و چه از نظر عملی نمی‌توان در موضوعات حوزه کسب‌وکار حضور منتع داشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نسبت به موضوع انتخابات هم نمی‌توان نظر

منتع داشت. یادآوری این نکته نیز ضروری است که انتخابات راه‌حلی عملی برای مشارکت عمومی و تغییر در نظام تصمیم‌گیری کلان کشور است که بقای امنیت و دوری از خشونت را تضمین می‌کند. فعالیتی که شرکت در انتخابات را برای ابراز وجود و حضور در صحنه تعاملات اجتماعی برگزیده‌اند، هرگز دست به کار اعمال خشونت‌بار و ساختارشکنانه نخواهند زد. بنابراین برای دستیابی به آنچه می‌پنداریم برای فردای بهتر به آن نیاز داریم، و آنچه خود را مستحق برخورداری از آن می‌دانیم، راهی جز مشارکت در انتخابات نیست. در این عرصه نمی‌توان رای منتع داشت، رای منتع به انتخابات به‌منزله مخالفت با آن است. روشن است که فعالان حوزه‌های کسب‌وکار نمی‌توانند در این موضوع مشارکت نداشته باشند. حفظ و تقویت فضای کسب‌وکار سالم و بهبود شرایط عمومی کشور نیازمند مشارکت در این فعالیت مهم است.